

آماده‌سازی شهود در حقوق بین‌المللی کیفری: آیا افزایش اختلافات شکلی در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری مایه نگرانی است؟^۱

بی.دون تیلور^۲

ترجمه: دکتر منصور فرخ سیری^۳

چکیده

اظهارات شهود معرفی شده توسط شاکی یا دادستان نقش بسیار مهمی در اثبات اتهام دارد. از آنجا که ممکن است شاهد در بیان حقایق و پاسخگویی به سؤالاتی که در دادگاه از او پرسیده می‌شود، دچار مشکل گردد و نتواند مطالب خود را به نحو مناسب بیان کند، طی فرایندی که در نظام دادرسی اتهامی پیش بینی گردیده، نماینده دادستان یا وکیل شاکی در خلال مرحله تحقیقات مقدماتی، جلسه یا جلساتی را به منظور آماده ساختن شاهد برای ادای شهادت در دادگاه برگزار می‌کنند و در آن، دلایل شاهد مورد بررسی قرار می‌گیرد و وی با چگونگی طرح سؤالات در دادگاه آشنا می‌شود. هدف از این اقدام، افزایش تأثیر شهادت در اثبات جرم است. در سال‌های اخیر، تأسیس کیفری مزبور از نظام‌های اتهامی ملی به حقوق بین‌المللی کیفری راه یافته و عمدتاً مورد استقبال دادگاه‌های بین‌المللی موقت قرار گرفته است. با وجود این، رأی شعبه اول مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری در هشتم نوامبر 2006 در پرونده لوبانگا و به دنبال آن، رأی 30 نوامبر

1. مقاله حاضر، ترجمه مقاله‌ای با عنوان زیر است:

B. Don Taylor, "Witness Proofing in International Criminal Law: Is Widening Procedural Divergence in International Criminal Tribunals a Cause for Concern?" at <http://www.isrc1.org/papers/2008/Taylor.pdf>.
The 22nd International Conference of the International Society for the Reform of Criminal Law Held in Dublin, Ireland from 11-15 July, 2008.

2. دستیار ارشد حقوقی در شعبه دوم بدوی دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق. دیدگاه‌های ارائه شده در این مقاله صرفاً نظر نویسنده است و بیانگر مواضع و دیدگاه‌های دیوان یوگسلاوی سابق یا سازمان ملل متحد نیست.

3. استادیار دانشگاه هرمزگان email: farrokhsiri1388@yahoo.com

2007 شعبه بدوی در همان پرونده که فرایند آماده‌سازی شهود را به چالش کشیده‌اند، نمایانگر اختلافات شکلی در این زمینه در حقوق بین‌الملل کیفری هستند.

واژگان کلیدی: آماده‌سازی شهود، شهادت، دادرسی، دادستان، حقوق بین‌الملل کیفری، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری

مقدمه

در بادی امر، به نظر می‌رسد کم‌تر موضوعی در حقوق بین‌الملل کیفری به اندازه آماده‌سازی شهود (روشی که در آن، دلایل شاهد مورد بررسی قرار می‌گیرد و قبل از حضور شاهد در جلسه دادرسی وی را در خلال جلسه‌ای با حضور وکیل یکی از طرفین برای ادای شهادت آماده می‌سازند) تا این حد مغفول مانده باشد. هرچند آماده‌سازی شهود از مدت‌ها پیش در دادگاه‌های بین‌المللی موقت (اختصاصی) به‌عنوان روشی قابل قبول و حتی مناسب مطرح بوده، تاکنون چندان مورد توجه محققان قرار نگرفته است. با وجود این، ایراداتی که در خصوص این روش مطرح گردیده، نشان دهنده آن است که در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در زمینه موضوعات شکلی، دیدگاه یکسانی وجود ندارد. در واقع، اختلافات اخیر در خصوص این موضوع، یادآور اختلاف دیدگاه‌های طرفداران نظام‌های اتهامی و تفتیشی است که در نخستین روزهای فعالیت دادگاه‌های بین‌المللی موقت بروز کرد. علاوه بر این، نخستین رأی دیوان بین‌المللی کیفری در مورد آماده‌سازی شهود که کاملاً در تضاد با آرای دیوان‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، رواندا و دادگاه بین‌المللی ویژه سیرالئون قرار دارد، حاکی از افزایش اختلافات شکلی در این زمینه است. خاطرنشان می‌سازد که سخنرانی نگارنده و مقاله حاضر که به همراه آن ارائه شده است، درصدد پاسخگویی به پرسش طرح شده در عنوان این مقاله نیست، بلکه صرفاً در مقام طرح مسأله است.

1. آماده‌سازی شهود در دادگاه‌های بین‌المللی اختصاصی قبل از قضیه لوبانگا

1-1. مفهوم فرایند آماده‌سازی شهود

آماده‌سازی شهود که در نظام تفتیشی تقریباً ناشناخته است، در نظام‌های اتهامی روشی کاملاً مرسوم به شمار می‌آید.⁴ جلسه آماده‌سازی، ملاقاتی میان شاهد و وکیل قبل از حضور شاهد در

4. به نظر می‌رسد که اصطلاح «آماده‌سازی» ریشه بریتانیایی دارد. هرچند برگزاری این‌گونه جلسات غیررسمی در رویه کیفری ایالات متحده نیز مرسوم است، معمولاً از واژه مشابهی برای توصیف این جلسات استفاده نمی‌شود.

5. دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در آرای متعددی به فرایند آماده‌سازی شهود اشاره کرده است. چنان‌که شعبه بدوی در قضیه لیمائز تصریح کرده که اعمال این روش هم توسط دادستان و هم توسط متهم از آغاز فعالیت این دیوان وجود

جلسات دادرسی است که در خلال آن، دلایل شاهد مورد بررسی قرار می‌گیرد و او با آنچه پیش‌بینی می‌شود در جلسات رسیدگی رخ خواهد داد آشنا می‌شود. از میان این دو موضوع، مقوله نخست، یعنی بررسی دلایل شاهد بحث برانگیز بوده است. آشنا ساختن شهود با فرایند دادرسی دست‌کم از لحاظ اصولی به‌طور کلی پذیرفتنی است، هر چند منتقدان عقیده دارند که این اقدام در واقع در حیطه صلاحیت واحدهای مربوط به بزه‌دیدگان و شهود قرار دارد، نه وکلای طرفین.

1-2. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق: قضیه لیماژ

در اساسنامه، آیین‌نامه داخلی و ادله دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق مستقیماً به موضوع آماده‌سازی شهود اشاره‌ای نشده است. با این‌که به نظر می‌رسد روش مزبور از نخستین روزهای فعالیت این دیوان معمول بوده است،^۵ تنها تعدادی از آرای این دیوان که اغلب آن‌ها اخیراً صادر شده‌اند، رسماً به این موضوع پرداخته‌اند.

در نوامبر 2004 هر سه متهم در پرونده دادستان علیه لیماژ، بالا و موسلیو^۶ از شعبه بدوی در خواست کردند که دستور دهد دادستان آماده‌سازی شهود خود را فوراً متوقف سازد یا در عوض به نماینده متهم اجازه داده شود تا در جلسات آماده‌سازی شهود شرکت کند و یا یک فیلم ویدیویی یا نوار ضبط شده از جلسات مزبور در اختیار متهم قرار گیرد.^۷ درخواست مزبور ناشی از مناقشه‌ای

داشته و مورد قبول قرار گرفته است. همچنین شعبه بدوی در قضیه سیکیریکا این روش را به عنوان روشی مفید برای دادستان و دادگاه و نیز متهم تلقی کرده و مورد تأیید قرار داده است. رجوع کنید به:

Prosecutor v. Limaj, Bala and Musliu, Decision on Prosecution Practice of 'Proofing' Witnesses, Case No. IT-03-66-T, 10 December 2004 ("Limaj Trial Decision"), at 2. ("The practice of proofing witness, by both the Prosecution and Defence has been in place and accepted since the inception of this Tribunal. It is certainly not unique to this Chamber"). Records of various oral proceedings before the ICTY seem to bear this out. See e.g. Prosecutor v. Sikirica, Došen, and Kolundžija, Case No. IT-95-8-PT, T. 446 (8 February 2001) (Trial Chamber encouraging proofing as "helpful for the Prosecution ... helpful clearly for the Defence to know the issues.... and ... helpful for the Trial Chamber"); Prosecutor v. Stakić, Case No. IT-97-24-T, T. 3568 (27 May 2002) (Trial Chamber thanking the Prosecution for the provision of "the proofing notes"); Prosecutor v. Blaskić, Decision on Subject Matter of Testimony of Witnesses on Appeal and Prosecution's Request for Re-Consideration of Scheduling Order for Evidentiary Hearing, Case No. IT-95-14-A, 8 December 2003, at 3 (Appeals Chamber noting the provision of "witness proofing summaries" by the Prosecution); Prosecutor v. Hadžihanović and Kubura, Case No. IT-01-47-T, T. 6022 (23 April 2004) (Trial Chamber addressing the witness, noting that the witness met the Prosecution "in the proofing"); Prosecutor v. Blagojević and Jokić, Case No. IT-02-60-T, T. 8172-8173 (26 April 2004) (Defence counsel describing to the Trial Chamber that proofing notes were provided to the Prosecution); Prosecutor v. Strugar, Case No. IT-01-42-T, T. 8058, 8065 (16 July 2004) (Trial Chamber describing problems arising at trial due to inadequate witness proofing).

6. Prosecutor v. Limaj, Bala and Musliu, Case No. IT-03-66-T ("Limaj" or "the Limaj Case").

7. Limaj Trial Decision, at 1.

بود که مدتی قبل در مورد افشای محتویات یک برنامه تصویری مفقود شده که قبلاً به یکی از شهود دادستان نشان داده شده بود، بروز کرده بود.^۸ در هر حال، متهمان مدعی بودند که به‌طور کلی جلسات آماده‌سازی شهود که دادستان در این پرونده ترتیب داده بود، به جای این که با هدف آماده‌سازی انجام شده باشد، تعلیم شهود محسوب می‌شود و دخالت در وظایف بخش بزه‌دیدگان و شهود دیوان به شمار می‌آید.^۹

شعبه بدوی با رد درخواست متهمان خاطر نشان کرد که «روش آماده‌سازی شهود از سوی دادستان و متهم از بدو فعالیت دیوان وجود داشته و مورد پذیرش قرار گرفته است. البته به نظر شعبه اجرای این روش یکسان نبوده است، ضمن آن که این روش در نظام های حقوقی که در آن‌ها آیین دادرسی اتهامی وجود دارد، متداول است».^{۱۰}

علاوه بر این، شعبه بدوی این نظر دادستان را تأیید کرد که اصولاً روش آماده‌سازی شهود مزیت‌هایی برای فرایند قضایی در بر دارد. نخست این که به شهود در ادای شهادت کمک می‌کند. دوم این که تمام حقایقی را که شاهد از آن‌ها اطلاع دارد و مربوط به اتهامات مطرح پرونده است بصورت کامل کشف و دقت و جام‌عبیت هر چه بیش تر دلایل ارائه شده در جریان دادرسی را تضمین می‌کند. سوم این که آماده‌سازی شهود به شکل دقیق می‌تواند ارائه دلایل شهود را در جلسات دادرسی به نحو منظم و کارآمد تسهیل کند و سرانجام این که آماده‌سازی شهود، اعلام دلایل جدید یا متفاوتی را که باید قبل از حضور شاهد در جایگاه شهود به اطلاع طرف مقابل رسانده شود، میسر می‌سازد و «بدین ترتیب احتمال غافلگیری کامل وی را کاهش می‌دهد».^{۱۱}

شعبه بدوی این ادعای متهمان را که آشنا کردن شهود با جریان دادرسی به‌عنوان بخشی از جلسات آماده‌سازی در صلاحیت بخش بزه‌دیدگان و شهود است، نه دادستانی، مردود شناخت. شعبه همچنین با اذعان به این که «دادستان هنگام آماده‌سازی شهود تابع معیارهای مشخص رفتار حرفه‌ای است»، نگرانی متهمان را مبنی بر این که ممکن است دادستان تمایل پیدا کند از جلسات آتی آماده‌سازی شهود برای تعلیم آنان استفاده کند، بی‌مورد دانست^{۱۲} و با اشاره به این که

8. See Limaj, at T. 1143–1170 (30 November 2004).

9. Limaj Trial Decision, at 1.

10. See Limaj, at T. 1143–1170 (30 November 2004).

11. Limaj Trial Decision, at 2.

12. Limaj Trial Decision, at 3. It is noteworthy that the defence did not claim that any such coaching had actually occurred by the Prosecution. Rather, there was a danger that it might. *Ibid.*, at 1. Limaj, at T. 1161 (30 November 2004).

در این پرونده هیچ دلیلی برای تردید در خصوص رعایت دقیق معی‌ارهای قابل اعمال رفتار حرفه‌ای وجود ندارد، از موافقت با درخواست متهمان خودداری ورزید.

1-3. دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا: شناسایی ضمنی

اساسنامه، آیین‌نامه داخلی و ادله دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا نیز همچون دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در مورد آماده‌سازی شهود ساکت هستند. با وجود این، به نظر می‌رسد که این روش در دیوان بین‌المللی رواندا کاملاً پذیرفته شده است.^{۱۳} با این حال، علی‌رغم رویه موجود تا قبل از صدور رأی این دیوان در قضیه دایلو، هیچ‌گونه رویه‌ای که مستقیماً به موضوع آماده‌سازی شهود اشاره کند وجود نداشت، هر چند شعبه استیناف اعلام کرده بود که «مباحثه طرفین با شهود در خصوص محتوای شهادت و اظهارات شهود به خودی خود اقدامی نادرست محسوب نمی‌شود، مگر آن که آنان درصدد تأثیرگذاری بر محتوای شهادت باشند، به طوری که حقیقت را تحت الشعاع قرار داده یا آن را دگرگون جلوه دهد».^{۱۴}

1-4. دادگاه بین‌المللی ویژه سیرالئون: قضیه سیسی

در اکتبر 2005 دو نفر از متهمان در پرونده دادستان علیه سیسی، کالونی و جیبائو^{۱۵} از شعبه اول بدوی درخواست کردند که دلایل ارائه شده از سوی یکی از شهود را که قبلاً در جریان دادرسی شهادت داده بود نادیده بگیرد. آن‌ها مدعی بودند که دادستان آگاهانه یا بر اثر سهل‌انگاری یادداشت‌های دست‌نویس تنظیم شده در یک جلسه آماده‌سازی شهود را از بین برده

13. See Prosecutor v. Karemera, Ndirumpatse and Nzirorera, Decision on Interlocutory Appeal Regarding Witness Proofing, Case No. ICTR-98-44-AR73.8, 11 May 2007 (“Karemera Appeal Decision”), at para. 8 (“It is evidence from the jurisprudence of the ad hoc Tribunals that, as Trial Chambers have exercised this discretion, a practice of witnessproofing has developed and has been accepted in various cases”); see also Prosecutor v. Karemera, Ndirumpatse and Nzirorera, Decision on Defence Motions to Prohibit Witness Proofing: Rule 73 of the Rules of Procedure and Evidence, Case No. ICTR-98-44-T, 15 December 2006 (“Karemera Trial Decision”), at 5 (describing that proofing has been recognized in the ICTR’s jurisprudence in relation to how the content of an interview with a witness is to be disclosed, and noting the Prosecution’s practice of disclosing ‘will-say’ or ‘reconfirmation statements prior the testimony of a witness) (citing trial chamber decisions in Prosecutor v. Bagosora et al., Decision on Admissibility of Witness DBQ, Case No. ICTR-98-41-T, 18 November 2003; Prosecutor v. Simba, Decision on the Admissibility of Evidence of Witness KDD, Case No. ICTR-01-76-T, 1 November 2004, at para. 9; and Prosecutor v. Rwamakuba, Decision on the Defence Motion Regarding Will-Say Statements, Case No. ICTR-98-44C-T, 14 July 2005, at para. 4).

14. Sylvestre Gacumbitsi v. The Prosecutor, Judgement, Case No. ICTR-2001-64-A, 7 July 2006, at para. 73.

15. Prosecutor v. Sesay, Kallon and Gbao, Case No. SCSL-04-15-T (“Sesay” or “the Sesay Case”).

که این اقدام، ناقض یکی از قواعد پیشین دادگاه است که هنگام انجام این اقدام، وجود داشته است. اگرچه متهمان در درخواستشان بر تعهدات مربوط به افشای حقایق تأکید کرده بودند و موضوع آماده‌سازی شهود به‌عنوان اساس درخواست مطرح نبود، رأی دادگاه در هر دو مورد آموزنده است. نخست این که دادگاه اذعان کرد که آماده‌سازی شهود - به نحوی که در دیوان یوگسلاوی سابق صورت می‌گیرد- بخشی از رویه دادستانی در دادگاه سیرالئون را تشکیل می‌دهد که از بدو فعالیت این دادگاه وجود داشته است. دوم این که دادگاه به‌طور مشخص ماهیت آماده‌سازی شهود را بررسی و تأیید کرد.

شعبه بدوی این ادعای دادستانی را مورد توجه قرار داد که هدف از آماده‌سازی شهود این است که دادستان موضوعاتی از قبیل ادله ابرازی شهود را با شاهدهی که از تجربه کمی در زمینه حضور در دادگاه برخوردار است در میان بگذارد.^{۱۶} شایان ذکر است که به نظر نمی‌رسید متهمان به اصل روش آماده‌سازی شهود اعتراضی داشته باشند، بلکه ظاهراً نگران افشای دلایل به‌دست آمده در خلال جلسات آماده‌سازی بودند. دادگاه سبسی که به نشانه تأیید - و به‌طور مفصل - از رأی دادگاه لیماژ نقل قول می‌کرد، اعلام داشت:

«آماده‌سازی شهود قبل از ادای شهادت در دادگاه، شیوه‌ای مشروع و به نفع عدالت است. این موضوع خصوصاً با توجه به وضعیت بس یاری از شهود که در جریان دادرسی در محیطی کاملاً ناآشنا و هراس انگیز در مورد وقایعی تکان دهنده شهادت می‌دهند، موضوعیت می‌یابد».^{۱۷}

یک سال بعد، یکی از متهمان مدعی گردید که دادستان از شیوه آماده‌سازی شهود به منظور تدارک پرونده استفاده کرده و به این منظور برای خنثی کردن دلایلی که متهم به نحو موفقیت‌آمیز مطرح ساخته بود، در صدد کسب دلایل جدید از شهود خود برآمده است.^{۱۸} شعبه بدوی بی‌درنگ این ادعا را رد کرد و خاطر نشان ساخت که وارد آوردن هر گونه خدشه بر صحت

16. Prosecutor v. Sesay, Kallon and Gbao, Case No. SCSL-04-15-T, Decision on the Gbao and Sesay Joint Application for the Exclusion of the Testimony of Witness TF1-141 (“First Sesay Trial Decision”), 26 October 2005.

17. Prosecutor v. Sesay, Kallon and Gbao, Case No. SCSL-04-15-T, Decision on the Gbao and Sesay Joint Application for the Exclusion of the Testimony of Witness TF1-141 (“First Sesay Trial Decision”), 26 October 2005.

18. Prosecutor v. Sesay, Kallon and Gbao, Case No. SCSL-04-15-T, Decision on Defence Motion to Request the Trial Chamber to Rule that the Prosecution Moulding of Evidence is Impermissible (“Second Sesay Trial Decision”), 1 August 2006, para. 10.

فرایند رسیدگی باید در ظاهر با نشان دادن تخلف عمدی یا سهوی دادستان به اثبات برسد.^{۱۹} ضمناً با تجدیدنظرخواهی از این رأی موافقت نشد.^{۲۰}

2. رأی شعبه مقدماتی در قضیه لوبانگا

در 8 نوامبر 2006، شعبه اول مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری، نخستین رأی خود را در خصوص آماده‌سازی شهود در پرونده دادستان علیه لوبانگا صادر کرد.^{۲۱} شعبه مقدماتی پس از احراز این مطلب که عبارت «آماده‌سازی شهود» در اساسنامه، آیین‌نامه داخلی، ادله و مقررات دیوان مشاهده نمی‌شود، آن را به دو مقوله گسترده تفکیک کرد.^{۲۲} مقوله نخست به آماده ساختن شاهد برای ادای شهادت شفاهی و آشنا ساختن وی با نحوه دادرسی مربوط می‌شود^{۲۳} و مقوله دوم به آماده‌سازی شهود توسط دادستان در مفاهیم زیر ارتباط دارد:

1. به شاهد اجازه داده می‌شود اظهارات خود را مرور و آنچه را قرار است در جلسه دادرسی به‌عنوان دلیل ابراز کند به خاطر آورد.

2. سؤالاتی که قرار است در جلسات دادرسی از شاهد پرسیده شود براساس اظهارات وی و به ترتیبی که در دادگاه طرح خواهد شد، از او پرسیده می‌شود.

3. در مورد اطلاعات تکمیلی احتمالی در جهت اتهام یا براءت از شاهد تحقیق می‌شود.^{۲۴} شعبه مقدماتی به این نتیجه دست یافت که آشنا ساختن شهود با نحوه دادرسی در صورتی قابل قبول است که توسط بخش بزه‌دیدگان و شهود - نه دادستان - انجام پذیرد، اما بررسی مقوله «ادله اثبات»، غیرقابل قبول و ممنوع است.

شعبه مقدماتی در استنتاج خود مبنی بر نادرست بودن آماده‌سازی شهود، استدلال کرد که تنها پرونده‌ای که در ارتباط با این موضوع توسط دادستان به منظور تأیید این روش مورد استناد قرار گرفته، پرونده لیماژ بوده است. به نظر این شعبه، پرونده مزبور عقیده دادستان را مبنی بر این که آماده‌سازی شهود «رویه‌ای کاملاً پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل کیفری محسوب

19. Second Sesay Trial Decision, at para. 17.

20. Prosecutor v. Sesay, Kallon and Gbao, Case No. SCSL-04-15-T, Decision on Application for Leave to Appeal the Decision on Defence Motion for a Ruling that the Prosecution Moulding of Evidence is Impermissible, 2 February 2007, at p. 6.

21. Prosecutor v. Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06, Pre-Trial Chamber I, Decision on the Practices of Witness Familiarisation and Witness Proofing, 8 November 2006 (“Lubanga Pre-Trial Decision”).

22. *Ibid.*, at para. 11.

23. *Ibid.*, at para. 15.

24. *Ibid.*, at para. 17.

می‌گردد» تأیید نمی‌کند.^{۲۵} شعبه مقدماتی این نظر دادستانی که ماهیت جنایات تحت صلاحیت دیوان و این که جنایات مزبور مدت‌ها پیش به وقوع پیوسته‌اند، مؤید روش آماده‌سازی شهود است را رد کرد و خاطر نشان ساخت که نظام‌های حقوق ملی از قبیل اسپانیا، بلژیک یا آلمان، هنگام گنجاندن مقررات اساسنامه رم در حقوق داخلی خود، تصمیمی مبنی بر پذیرش روش آماده‌سازی شهود اتخاذ نکرده‌اند.^{۲۶}

شعبه مقدماتی در ادامه، با یادآوری بند 1 ماده 2 اساسنامه رم - بدون ارائه هیچ گونه استدلالی - نظر داد که آماده‌سازی شهود نمی‌تواند با قوانین داخلی جمهوری دموکراتیک کنگو منطبق باشد.^{۲۷} شعبه - بدون ارائه مستندات - مقرر داشت: «به‌عنوان نمونه در نظام‌های مختلف حقوقی از قبیل برزیل، اسپانیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، اسکاتلند، غنا، انگلستان و ولز و استرالیا آماده‌سازی شهود اقدامی غیر اخلاقی و غیرقانونی محسوب می‌شود».^{۲۸} شعبه با توجه خاص به انگلستان و ولز این عقیده را ابراز داشت که دستورالعمل کانون وکلای انگلستان و ولز صراحتاً آماده‌سازی شهود را منع کرده است.^{۲۹}

شعبه مقدماتی بنا بر مطالب پیش گفته، به این نتیجه دست یافت که «هیچ یک از اصول کلی حقوقی که از قوانین داخلی نظام‌های حقوقی دنیا قابل استخراج است، روش آماده‌سازی شهود را تأیید نمی‌کند». بر این اساس، شعبه نتیجه می‌گیرد که وظیفه دادستان مبنی بر خودداری از اجرای روش آماده‌سازی شهود، تنها اصل کلی حقوقی است که می‌توان در رابطه با این موضوع خاص از قوانین داخلی نظام‌های حقوقی دنیا استخراج کرد.^{۳۰}

3. مخالفت دادگاه‌های بین‌المللی موقت با رأی شعبه مقدماتی در قضیه لوبانگا

3-1 دیوان یوگسلاوی سابق: قضیه میلوتینویچ

تنها یک هفته پس از صدور رأی لوبانگا، این رأی در دیوان یوگسلاوی سابق مورد انتقاد قرار گرفت.^{۳۱} یکی از متهمان در پرونده دادستان علیه میلوتینویچ، اویدانیچ، پاوکویچ، لازارویچ و

25. *Ibid.*, at paras. 31-33.

26. *Ibid.*, at para. 34 and fn. 35.

27. *Ibid.*, at para. 35.

28. *Ibid.*, at para. 37.

29. *Ibid.*, at paras. 38, 39.

30. *Ibid.*, at para. 42.

31. *Prosecutor v. Milutinović, et al.*, Case No. IT-05-87-T, Decision on Ojdanić Motion to Prohibit Witness Proofing, 12 December 2006 (“Milutinović Trial Decision”), at p. 2. The defence motion was filed on 15 November 2006.

لوکیچ، منحصرأً با استناد به رأی لوبانگا از شعبه بدوی درخواست کرد که دستور فوری مبنی بر منع دادستان از آماده‌سازی شهود خود صادر کند.^{۳۳}

شعبه بدوی به تفاوت‌های شکلی در تشریفات صدور رأی در دو دیوان (دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان یوگسلاوی سابق) اشاره کرد. به‌علاوه مقرر داشت که رأی شعبه مقدماتی در قضیه لوبانگا راجع به روش آماده‌سازی شهود در خصوص یک شاهد واحد بوده که در آخرین جلسه تحقیقات مقدماتی پیش از آغاز دادرسی که برای رسیدگی به اتهام اولین متهم پرونده تشکیل شده، شهادت داده بود؛ در حالی که شعبه رسیدگی‌کننده به قضیه میلوتینوویچ بایست این روش را در رابطه با شهود متعددی که در جریان دادرسی واقعی (در دادگاه) شهادت داده یا قرار بود شهادت دهند، بررسی کند.^{۳۳}

شعبه بدوی در پرونده میلوتینوویچ برخلاف شعبه مقدماتی در پرونده لوبانگا به این نتیجه رسید که آماده‌سازی شهود با ممنوعیت مندرج در ماده 705 دستورالعمل کانون وکلای انگلستان و ولز که «القا کردن»، «تمرین دادن» یا «تعلیم دادن» شهود در رابطه با دلایل ابرازی آنان را منع کرد است، مغایرتی ندارد. شعبه همچنین خاطر نشان ساخت:

«مباحثات میان یکی از طرفین و شاهد احتمالی در رابطه با دلایلی که وی در اختیار دارد، در واقع می‌تواند عدالت و سرعت رسیدگی را افزایش دهد، مشروط بر آن که این مباحثات تلاشی واقعی برای تبیین دلایل شاهد باشد. به نظر شعبه این مباحثات همان چیزی است که جوهر و اساس آماده‌سازی شهود را که توسط طرفین در دیوان انجام می‌پذیرد، تشکیل می‌دهد و چنین روشی، القا، تمرین یا تعلیم شهود محسوب نمی‌شود».^{۳۴}

سرانجام شعبه بدوی به این نتیجه دست یافت که آماده‌سازی شهود لطمه‌ای به حقوق متهم وارد نمی‌سازد و ادعاهای متهم مبنی بر این که دادستان معیارهای صریح رفتار حرفه‌ای حاکم بر آماده‌سازی شهود را نقض کرده است، مردود است.^{۳۵}

3-2. دیوان رواندا: قضیه کارمرا

رأی لوبانگا ظرف پنج روز پس از صدور، مورد انتقاد دیوان رواندا قرار گرفت.^{۳۶} در پرونده دادستان علیه کارمرا، انگیرومپاتسه و انزیروررا، دو نفر از متهمان با استناد به رأی شعبه مقدماتی

32. Milutinović Trial Decision, at para. 1.

33. *Ibid.*, at paras. 11-15.

34. *Ibid.*, at para. 16.

35. *Ibid.*, at paras. 19-22.

36. The motion was filed on 13 November 2006. Karemera Trial Decision, at para. 1, fn. 1.

در پرونده لوبانگا خواستار صدور دستور فوری مبنی بر منع دادستان از ادامه برگزاری جلسات آماده‌سازی شهود گردیدند.

شعبه بدوی در پرونده کارمرا، با دقت به بررسی رأی شعبه مقدماتی در پرونده لوبانگا و روش آماده‌سازی شهود در دیوان رواندا و دیوان یوگسلاوی سابق پرداخت و رأی میلویتینویچ را که تنها سه روز قبل صادر شده بود مورد توجه قرار داد. این شعبه با رد رأی لوبانگا خاطرنشان کرد که آماده‌سازی شهود «نه‌تنها موجب جانبداری ناروا نمی‌گردد، بلکه شیوه‌ای مفید و موجه است».^{۳۷} شعبه مزبور اذعان کرد که ممکن است اظهارات برخی از شهود کامل نباشد و معمولاً شهود بعداً مطالبی را به خاطر می‌آورند و جزئیاتی را به اظهارات قبلی خود می‌افزایند. به‌علاوه نمی‌توان این روش را به منزله مجوزی برای آموزش، تعلیم یا تبنانی با شهود قبل از ادای شهادت محسوب کرد.^{۳۸}

شعبه مزبور در ادامه ضمن اشاره به آرای صادر شده در پرونده‌های لی‌ماژ و میلویتینویچ حکم داد:

«روش آماده‌سازی شهود، مشروط بر آن که به تغییر محتوای شهادت نینجامد، می‌تواند شامل آماده کردن و آشنا ساختن شاهد با نحوه رسیدگی در دیوان، مقایسه اظهارات قبلی شاهد، کشف تفاوت‌ها و تناقض‌گویی‌ها در یادآوری خاطرات شاهد، امکان یادآوری مجدد وقایع توسط شاهد در ارتباط با دلایلی که ارائه خواهد کرد و تحقیق و بازجویی و اعلام اطلاعات تکمیلی و یا دلایل اتهام یا براءت به متهم در یک فرصت زمانی کافی قبل از ادای شهادت باشد... شعبه خاطرنشان ساخت که معیارهای مشخصی در خصوص رفتار و اخلاق حرفه‌ای وجود دارد که دادستان باید هنگام تحقیق از شهود آن‌ها را رعایت کند. مطابق بند ۲ مقررات دادستانی، مأموران دادسرا کارکنان ثابت دیوان به شمار می‌آیند که «باید منافع عمومی از جمله منافع جامعه بین‌المللی، بزه‌دیدگان و شهود را تأمین و مورد حمایت قرار دهند و به حقوق اساسی مظنونان و متهمان احترام بگذارند» و «نباید از روی ناآگاهی اظهارات نادرستی را در خصوص وقایع نزد دیوان مطرح کنند و یا دلایلی ارائه دهند که نماینده دادستان از نادرستی یا خلاف بودن آن‌ها اطلاع دارد».^{۳۹}

37. *Ibid.*, at para. 10.

38. Karemera Trial Decision, at para. 12.

39. *Ibid.*, at paras. 15–16 (citing ICTR Prosecutor's Regulations No. 2 (1999), Standard of Professional Conduct Prosecution Counsel).

شعبه بدوی خاطرنشان کرد که از چندین شاهد به طور مشخص در مورد فرایند آماده‌سازی آنان و دلایلی که ارائه کردند، بازجویی به عمل آمده که هیچ یک ادعاهای متهمان را مبنی بر ناموجه بودن رفتار دادستان تأیید نمی‌کند. شعبه مذکور در پرونده کارمرا، رأی لوبانگا را هم از حیث نظری و هم از لحاظ عملی رد کرد.

1-2-3. حکم شعبه تجدیدنظر: نقطه پایان رأی لوبانگا در دیوان رواندا

به دنبال تأیید رأی کارمرا توسط شعبه تجدیدنظر، هرگونه امید به تأثیرگذاری رأی لوبانگا بر عملکرد و رویه دیوان رواندا برای همیشه تبدیل به یأس گردید. شعبه تجدیدنظر مبنای تجدیدنظرخواهی متهم را این‌گونه بیان کرد: «براساس فرضیه مبتنی بر رأی لوبانگا، آماده‌سازی شهود در دیوان بین‌المللی کیفری و نیز در اغلب نظام‌های بزرگ حقوقی دنیا اقدامی غیراخلاقی و غیرقانونی است».⁴⁰

شعبه تجدیدنظر پس از تجزیه و تحلیل و رد کلیه ایرادات متهمان به این نتیجه دست یافت که بازجویی دقیق ابزاری است که طرفین با استفاده از آن می‌توانند احتمال تأثیرگذاری ناموجه بر شهادت شهود را مورد بررسی قرار دهند. به‌علاوه شعبه تجدیدنظر با دادن هشدار جدی به کلیه طرفین پرونده یادآوری کرد که اقدام به مداخله عمدی در شهادت شهود ممنوع است و چنانچه این امر بر دادگاه محرز گردد، شعبه بدوی می‌تواند موضوع را تحت عنوان اهانت به دادگاه براساس ماده 77 آیین دادرسی مورد رسیدگی قرار دهد و مطابق ماده 95 همان قانون به چنین شهادتی ترتیب اثر ندهد.⁴¹

4. رأی شعبه بدوی در پرونده لوبانگا

در 12 سپتامبر 2007، دادستان از شعبه بدوی رسیدگی کننده به پرونده لوبانگا خواست تا رأی شعبه مقدماتی مبنی بر ممنوعیت آماده‌سازی شهود را مورد بررسی قرار دهد.⁴² شعبه بدوی پس از برگزاری یک جلسه رسیدگی، هرگونه ملاقات خارج از دادگاه میان طرفین و شهود، به استثنای ملاقات‌هایی که در بخش بزه‌دیدگان و شهود در جریان آشنا ساختن شهود با نحوه دادرسی

40. Karemera Appeal Decision, at para. 6.

41. *Ibid.*, at para. 13.

42. Prosecutor v. Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06, Trial Chamber I, Prosecution's submissions regarding the subjects that require early determination: procedures to be adopted for instructing expert witnesses, witness familiarization and witness proofing, 12 September 2007.

صورت می‌گیرد و هدف از آن اعطای فرصت به آنان برای آشنایی با بازجویی کنندگان در دادگاه باشد را ممنوع ساخت.^{۴۳}

شعبه بدوی همچون شعبه مقدماتی، آماده‌سازی شهود را به دو بخش تقسیم کرد: (1) بررسی فرایندی که به منظور آشنا ساختن شهود با نح و رسیدگی در دادگاه انجام می‌پذیرد و (2) بررسی فرایند آماده‌سازی عملی شهود برای ادای شهادت در جلسات دادرسی.^{۴۴} درباره آشنا ساختن شهود با نحوه رسیدگی، شعبه بدوی با تأیید نظر شعبه مقدماتی اعلام داشت وظایفی از این دست منحصراً در صلاحیت بخش بزه‌دیدگان و شهود است.^{۴۵} در هر حال برای بخش مزبور مبالغی در نظر گرفته شده است تا با استفا ده از آن‌ها پس از مشورت با احضار کننده شاهد، اقداماتی را به منظور آشنا ساختن وی با نحوه رسیدگی به بهترین نحو ممکن به عمل آورد.^{۴۶}

شعبه بدوی این ادعای دادستان را که آماده‌سازی شهود در اساسنامه رم پیش بینی شده رد کرد. شعبه در ادامه این ادعا را که می‌توان از نظام‌های حقوقی ملی در سرتاسر دنیا یک اصل کلی حقوقی مبنی بر جواز آماده‌سازی شهود استخراج کرد، مردود دانست.^{۴۷} شعبه بدوی برخلاف شعبه مقدماتی خاطر نشان ساخت که رویه دیوان‌های یوگسلاوی سابق و رواندا آماده‌سازی شهود را در مفهومی که دادستان در قضیه حاضر از آن حمایت کرده، به اثبات می‌رساند؛ اما چنین رویه‌ای برای این دیوان (دیوان بین‌المللی کیفری) لازم‌الاجرا نیست. به‌علاوه، شعبه بدوی اعلام کرد که اساسنامه رم از رهگذر پیشرفت‌های چشمگیر ... از نظام‌های شرکتی دادگاه‌های بین‌المللی موقت فاصله گرفته و عناصر اضافی و جدیدی را برای کمک به فرایند اثبات حقیقت فراهم آورده است.^{۴۸} شعبه بدوی - بدون شرح و تفصیل - استنتاج خود از تحلیل موضوع را در قالب این عقیده بیان داشت که آماده ساختن شهود برای ادای شهادت پیش از آغاز دا درسی ممکن است «ماهیت ابتکاری و ارتجالی بودن شهادت» را که در کمک به کشف حقیقت از سوی دادگاه از اهمیت بسزایی برخوردار است، تضعیف کند.^{۴۹}

43. Prosecutor v. Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06, Decision Regarding the Practices Used to Prepare and Familiarise Witnesses for Giving Testimony at Trial, 30, November 2007, ICC-01/04-01/06-1049 (“Lubanga Trial Decision”), at para. 53(f)

44. *Ibid.*, at para. 28.

45. *Ibid.*, at para. 29.

46. *Ibid.*, at para. 34.

47. *Ibid.*, at paras. 43-44.

48. *Ibid.*, at para. 45.

49. *Ibid.*, at para. 52.

5. تأثیر رأی لوبانگا

5-1. دیوان بین‌المللی کیفری

احتمالاً آرای صادر شده در قضیه لوبانگا قبل از هر چیز با توجه به ویژگی‌هایی که فاقد آن هستند، شناخته می‌شوند.⁵⁰ در دیوان بین‌المللی کیفری، رأی صادره از یک شعبه برای پرونده‌های دیگری که در سایر شعب تحت رسیدگی هستند رویه‌ای الزامی ایجاد نمی‌کند. البته ممکن است شعب دیگر این رأی را به‌عنوان یک رویه نزاکتی (غیرالزامی) مورد توجه قرار دهند.

5-2. دادگاه‌های بین‌المللی موقت

از نظر صرفاً نتیجه‌گرایانه می‌توان تأثیر آرای لوبانگا بر حقوق و رویه دادگاه‌های بین‌المللی موقت را از لحاظ حقوقی ناچیز ارزیابی کرد. هر یک از این دادگاه‌ها در بررسی رأی شعبه مقدماتی در پرونده لوبانگا قاطعانه نظر شعبه مزبور را رد کردند. دادستان‌ها در دیوان یوگسلاوی سابق، رواندا و سیرالئون همچنان به آماده‌سازی شهود ادامه می‌دهند، چنان‌که کاملاً برخلاف آنچه دادستان دیوان بین‌المللی کیفری - دست‌کم در قضیه لوبانگا - با آن مواجه گردید، سال‌ها است که اجازه اجرای این روش را یافته‌اند. با وجود این، با چنین نگرش محدودی نمی‌توان به تأثیر واقعی رأی صادر شده از شعبه مقدماتی در قضیه لوبانگا پی برد.

نکته شایان توجه این آن است که یک رویه طولانی در دیوان یوگسلاوی سابق، که نه تنها از گذشته مرسوم بوده، بلکه از مهر تأیید رویه قضایی در رأی شعبه بدوی در پرونده لیمائز نیز برخوردار است، صرفاً بر اساس رأی لوبانگا مورد چالش قرار نگرفت. هر چند بدیهی است که شعب بدوی دیوان یوگسلاوی سابق - نه در استدلال و نه در استنتاج - ملزم به تبعیت از یکدیگر نیستند، اما از لحاظ سنتی هماهنگی قابل ملاحظه‌ای در زمینه موضوعات شکلی میان آن‌ها وجود داشته است. در واقع بعید به نظر می‌رسد که یک شعبه بدوی در دیوان یوگسلاوی سابق هنگام مواجهه با موضوع مشابه، دست‌کم به اظهارات شعبه دیگر دیوان توجهی نکند. بنابراین گرچه نمی‌توان رأی لیمائز را برای سایر شعب دیوان یوگسلاوی سابق الزامی دانست، به نظر می‌رسد در خصوص این مسأله (آماده‌سازی شهود) در دیوان مزبور نوعی توافق حاصل شده است. هر چند دیوان یوگسلاوی سابق و دیوان رواندا دارای شعبه تجدیدنظر واحد هستند و همچنین اساسنامه و آیین‌نامه داخلی دادرسی و ادله آن‌ها تقریباً مشابه یکدیگر است، نهادهای مستقلی

50. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که آرای صادر از شعب دیوان بین‌المللی کیفری فاقد آن هستند و در واقع باید در زمره خصوصیات سلبی این آرا محسوب گردد این است که آرای مزبور تنها نسبت به پرونده‌ای که در شعبه رسیدگی‌کننده به صدور رأی منجر گردیده، واجد الزام حقوقی است و تبعیت از آن برای شعب دیگر الزامی نیست. با وجود این، نباید تأثیر معنوی این رأی‌ها را بویژه هنگامی که در مقام تبیین یک قاعده حقوقی هستند نادیده گرفت. در واقع چنین تأثیری در قالب آنچه در نظام‌های حقوقی ملی «رویه قضایی عام» نامیده می‌شود، قابل ارزیابی است (م).

محسوب می‌شوند که در زمینه حقوق ماهوی و شکلی بارها دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی ابراز داشته‌اند. همچنین با وجود این که هیچ‌گونه سلسله مراتب رسمی وجود ندارد، میزان نسبتاً کم استناد دادگاه‌های بین‌المللی مشابه به تصمیمات و احکام یک دیگر احتمالاً م‌وید آن است که هر یک از این دادگاه‌ها معقد است برای شعب یک دادگاه، آرای صادر شده از شعب دادگاه‌های دیگر در مقایسه با آرای شعب مختلف در داخل همان دادگاه، از اع تباری به مراتب کم تر برخوردارند. در واقع این پرسش همچنان باقی است که آیا شعب بدوی دیوان‌های یوگسلاوی سابق و رواندا ملزم به تبعیت از تصمیمات و احکام تجدید نظر یکدیگرند یا خیر. البته به نظر می‌رسد که در عمل برای این آرا احترام فراوانی قائل هستند.

حتی پس از صدور رأی شعبه بدوی در پرونده لوبانگا، دلیلی وجود ندارد که تصور کنیم اساس روش آماده‌سازی شهود در دادگاه‌های بین‌المللی موقت دچار تغییر خواهد شد. رأی تجدید نظر در پرونده کارمرا احتمال هر گونه تغییر را در دیوان رواندا منتفی ساخته است و در مجموع با توجه به آرای شعب بدوی دیوان یوگسلاوی سابق در پرونده لیمائز و میلوتینوویچ، احتمال تغییر در این دیوان نیز به همان میزان بعید به نظر می‌رسد. در خصوص دادگاه بین‌المللی ویژه سیرالئون نیز بعید به نظر می‌رسد که در مقر اصلی دادگاه در فری تاون و یا حتی مقر دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه که چارلز تیلور در آن تحت محاکمه است،⁵¹ تغییری در این زمینه ایجاد گردد. به نظر می‌رسد که در آینده، روش آماده‌سازی شهود در دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق، دیوان بین‌المللی رواندا و دادگاه بین‌المللی ویژه سیرالئون، به نحوی که در این دادگاه‌ها مرسوم بوده، تا قبل از پایان مأموریت دادگاه‌های مذکور، جای خود را به شیوه پذیرفته شده در رأی لوبانگا بدهد.

6. افزایش اختلافات چشم‌انداز آینده

اگرچه بعید است که روزی دادگاه‌های بین‌المللی موقت، دیدگاهی مشابه با رأی لوبانگا را در خصوص آماده‌سازی شهود بپذیرند، اما این امر پاسخ این پرسش را که به موازات تحولاتی که در آیین دادرسی بین‌المللی کیفری ایجاد خواهد شد، روش آماده‌سازی شهود چه وضعیتی خواهد یافت، چندان روشن نمی‌سازد. به‌علاوه معلوم نیست که اختلافات موجود همچنان مسأله ساز باشند. با وجود این، دیدگاه‌های متعارض به قدری با هم تفاوت دارند و سوءظن نسبت به روش اتهامی آماده‌سازی شهود، چنان به وضوح در آرای لوبانگا انعکاس یافته که لاجرم موجب طرح سوالات گوناگونی می‌گردد. ممنوع ساختن یک روش پذیرفته شده و حتی مطلوب در دادگاه‌های

51. چارلز تیلور - رئیس جمهور سابق لیبیا - که به اتهام جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در دادگاه ویژه سیرالئون تحت محاکمه قرار دارد، به دلایل امنیتی، به موجب قطعنامه 1688 شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ 20 ژوئن 2006 جهت محاکمه در مقر دیوان بین‌المللی کیفری به هلند انتقال داده شد. لازم به ذکر است که هر چند محاکمه در مقر دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه هلند انجام می‌شود، اما دادرسی تحت صلاحیت انحصاری دادگاه ویژه سیرالئون قرار دارد (م).

بین‌المللی موقت، دقیقاً از احتمال بروز چه زبانی می‌کاهد؟ آیا آماده‌سازی شهود دارای مزیت‌های نسبی است؟ آیا مضرات احتمالی آماده‌سازی شهود چنان‌که در آرای لوبانگا بیان گردیده، قابل ملاحظه است؟ آیا در این صورت دیدگاه پذیرفته شده بهترین شیوه پیش‌رو محسوب می‌شود. پاسخ به این سؤالات از حوصله این بحث خارج است، چرا که هدف مقاله حاضر صرفاً طرح این سؤالات است. با وجود این به نظر می‌رسد بتوان به جنبه‌هایی از موضوع اشاره کرد. به نظر می‌رسد ممنوعیت آماده‌سازی شهود در رأی لوبانگا به طور قطع مغایر با حداقل چهار اصل است که زیر بنای منطقی آماده‌سازی شهود را تشکیل می‌دهند و مورد تأیید قضات در دیوان یوگسلاوی سابق، دیوان رواندا و دادگاه بین‌المللی ویژه سیرالئون قرار گرفته‌اند. نخست این که بازجویی از شهود، عامل توازنی در مقابل احتمال تأثیر گذاری غیرمجاز بر ادای شهادت که ممکن است از آماده‌سازی شهود ناشی گردد، محسوب می‌شود. دوم این که قضات حرفه‌ای در دادگاه‌های بین‌المللی از ابزارهایی برای اعمال مدیریت بر فرایند آماده‌سازی شهود و همچنین بینش لازم برای ارزیابی دلایل برخوردارند. سوم این که قواعد اخلاقی حاکم بر رفتار دادستان مشخصاً از تعلیم شهود که ممکن است تأثیر نامطلوبی بر ادای شهادت داشته باشد، جلوگیری می‌کند. چهارم این که اختیار قضات در رسیدگی به اتهام اهانت به دادگاه، صلاحت مجازات اشخاصی را که در صدد تأثیر گذاری ناموجه بر شهادت شهود هستند به طور مؤثر به آنان اعطا می‌کند. این که اقدامات مزبور بتواند در برابر مضرات احتمالی آماده‌سازی شهود، یک حاشیه امن قابل قبول فراهم سازد، بیش‌تر به دیدگاه‌های فردی وابسته است که عمدتاً ریشه در پیشینه فرهنگی یا نظام حقوقی دارد. در هر حال، مقصود نگارنده این نیست که آرای لوبانگا را باید به منزله کشمکش میان نظام‌های اتهامی و تفتیشی تلقی کرد؛ چنان‌که یکی از نویسندگان به نحو شیوایی ابراز داشته است:

«گرچه کشمکش اصولی میان نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی-ژرمنی در تحول جنبه‌های مهمی از حقوق بین‌الملل کیفری مؤثر بوده، اکنون زمان آن فرا رسیده است که این تقسیم‌بندی دوگانه را از ذهن دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی کیفری بزدایم و نظام تازه تکوین یافته حقوق بین‌الملل کیفری را به مثابه یک نظام حقوقی مستقل بپذیریم.»^{۵۲}

اگر نتیجه به دست آمده در آرای لوبانگا صراحتاً در قانون حاکم بر دیوان کیفری بین‌الملل مقرر گردد، تجزیه و تحلیل ماهیت دیدگاه‌های متعارض در خصوص آماده‌سازی شهود ارزش عملی چندانی ندارد. با وجود این، چندان روشن نیست که نتیجه به دست آمده در یک رأی قضایی برای

52. G. Boas, The Milosevic Trial: Lessons for the Conduct of Complex International Criminal Proceedings (2007), p. 9.

همیشه پابرجا بماند. اصولاً اگر روش آماده‌سازی شهود در قانون حاکم کنونی دیوان بین‌المللی کیفری صراحتاً منع گردد، مزیت‌های نسبی این روش، قصد جدی دولت‌ها را برای اصلاح قوانین توجیه خواهد کرد. بنابراین، آنچه مورد نیاز است، تحلیل منطقی و مباحثاتی است که بهترین راه را به سوی آینده ترسیم کند و روشن سازد که دیدگاه پذیرفته شده در پرونده لوبانگا پیشرفت است یا اختلاف ساده، و یا مخالفتی بحث برانگیز با روش شکلی نوعی بخش محسوب می‌گردد.

